

شکوفه‌هایی که نشکفته پرپر میشوند

در ایران تیغ درخیم از کار نیفتد و پیوسته قربانی...
 و تازمتری میگیرد. شاه سببیت و وحشیگری را بد رجهای رسانید
 که حتی از آدمکشان حرفهای هم انتظار نبرود. فقط شاه و شکیبایی
 کرانش که در مکتب آدم کشی امپریالیسم آمریکان تربیت یافته‌اند میتوان
 مانند حیوانات درنده کرسنه مرد از زن، مادر از فرزند، خرد از کلا
 و میر از جوانان شناسند. در هیچ جایی از جهان زنان و دختران
 را با این درند خوئی در کوی و خیابانها بقتل نمیرسانند یا چوبه
 اعدام نمی‌بندند. این زنان و دختران قهرمان جان میبازند تا
 برای توده‌های زحمتکش بیسما و آواز نجله برای زنان ایران آزادی
 واقعی به ارمغان آورند. این زنان و دخترانند که منادی واقعی
 آزادی زنانند و نه آن عروسک‌های رنگ و روغن زده که بعلمت
 اینکه ندیده شاه یا فرح اند و در مکتب دربارست و فاسد قوت و
 فن دست بوسی و کرنش آموخته اند به مقام وزارت و وکالت میرسند
 خلق‌های ایران نام این زنان قهرمان را هرگز از یاد نخواهد برد
 و از نام آن "آزاد زنان" در باری وکیل و وزیر بزشتی یاد خواهد کرد.
 درود ما به روان پاک همه شهیدان راه آزادی و استقلال ایران!
 باز هم چند تن از فرزندان قهرمان بارکبار کوله در خاک و
 خون غلتیدند. این جوانان که خون آنها بیهوده ریخته میشود
 همه شیفتگان و مبارزان راه آزادی را غرق در ماتم و اندوه میساز
 این غم و اندوه نه تنها به این خاطر است که مار فقا میز و همسنگ
 خود را از دست میدهند. هیچ مبارزهای هیچ نبردی بدون قربانی
 امکان پذیر نیست. بدون قربانی پیروزی بدست نمیآید، بلکه بخاطر
 آن نبرهست که این همه قربانی بیهوده است و میتوان و نباید از
 آن اجتناب ورزید. آن کسانی که خود در جای امن مقرر کرده و
 آسوده خاطر و این زندگی میگذرانند ولی این جوانان قهرمان
 راه ادامه راه غلط و ریختن خون خود تشویق میکنند، آن کسان
 که بایول و وسائلی که در اختیار چریکها میگذرانند جوانان میهن‌مارا
 به بیراهه می‌کشاند که فرجام آن همین است که در برابر چشم
 ما است. این کسان در مرکز ناهنگام این جوانان مسئولیت
 سنگینی برعهده دارند. اکنون از آغاز مبارزه چریکی شش سال
 میگذرد. ترازنامه این مبارزه از دست رفتن صدها انقلابی با
 ارزش است که در کوره راهی کام گذاشته اند که پایان جز مرگ
 غم انگیز نیست بدون آنکه هیچ قایدهای برای جانبازی و حماسه
 آفرینی تصور باشد.

نیروهای انقلابی در حال حاضر از جمیع جهات ضعیف اند
 و در عین حال در برابر دشمنی قرار گرفته اند که تا ندان مسلح
 است و آماده است هر جنبشهای را از حرکت و رفتن بازدارد.
 در چنین تناسب قوای شرط عقل، شرط حزم و احتیاط نیست
 که نیروهای اندک و آرزو را با تجهیزات ناچیز جنگ دشمن
 نیرومند فرستاد. نتیجه چنین تاکتیکی جز نابودی کامل نیروها
 انقلابی نیست. برای ارتش و پلیس و سازمان امنیت شاه از دست
 رفتن چند ده یا چند صد تن ضایعه بزرگی نیست ولی برای
 نیروهای انقلابی، بویژه در آغاز کار، هر رزنده‌ای که برخاک می‌افتد
 سرمایه بزرگی است که از دست میرود. چنانچه باید به این سرمایه
 اندیشید؟ چرا باید پس از چندین سال تجربه با زهم برای رفت
 که به بن بست میرسد؟ چرا باید برای ادامه چنین راهی به
 "تئوری"‌های بی پایه و ساختگی و خلاف واقعیت توسل جست؟
 این جوانان انقلابی که مانند شکوفه‌های تشکتهای پرپر
 میشوند با خصائل انقلابی خود چه خدمات کرانبهائی که میتوانند
 به جنبش انقلابی ایران بکنند، چه سهم بزرگی که میتوانند در
 این جنبش برعهده گیرند. این مطلب ساده راهمه مبارزان
 می‌فهمند بالا اول از تجربه مبارزه چریکی این درس آموخته‌اند
 رفقای دانشجوچه بجای می‌نویسند: یوسف زرکارها، جلیل انفرادی
 اسکندر صادقی نژادها پرولترهای قهرمانی بودند که وجودشان
 در صفوف طبقه کارگر، در رهبری مبارزات، بقیه در صفحه ۲

مبادلات تجارتي ایران

شاه، این اعجوبه قرن بیستم، بهنگام افتتاح چهارمین
 نمایشگاه بین‌المللی تهران بار دیگر صادرات ۳۰ الی ۴۰
 میلیارد دلاری صحبت کرد که قسمت اعظم آنرا باید کالاها صنعتی
 تشکیل دهد. تا یکی دو سال پیش صحبت از این بود که طرف
 بیست سال صادرات ایران به بیست میلیارد دلار بالغ گردد و برآ
 آنکه جای درآمد نفت را که دیگر تا آخرین قطره بتاراج رفته بگیرد.
 اما اکنون صحبت از ۳۰ الی ۴۰ میلیارد دلار صادرات است آنهم
 صادرات کالاها صنعتی!
 شاه این سخنان یاوه را در زمانی میگوید که صادرات ایران
 بشدت رو به کاهش است. کشور ما هیچوقت صادرات صنعتی بجز
 فرش نداشته است. اما اکنون نه تنها صادرات فرش دستخوش
 نقصان و ورشکستگی است بلکه کالاها صنعتی صادراتی نیز مانند
 کفش و زیره و پرک زرد آلبو سبزی و... هم بطور مطلق وهم نسبت
 به واردات روز بروز سقوط بیشتری میکند.
 در گذشته‌های نه چندان دور ایران بزرگترین صادرکننده
 فرش بود و فرش‌های مرغوب ایران که با سرانگشت ظریف اطفال
 فقیر یافته میشد خریداران فراوان داشت. حالا کورهائیسی
 مانند افغانستان ترکیه هند و پاکستان بازارهای فرتر ایران را
 تصرف کرده‌اند و مطبوعات با عجز و ناتوانی مینویسند که فرش
 ایران قدرت رقابت با فرشهای این کشورها را ندارد و در نتیجه
 "صادرات آن روند نزولی پیدا کرده است و در امارت و تحلیل میرو
 بدینسان به اعتراف مقامات رسمی ایران این تولید سنتی ایران
 روزه تعطیل و نابودی است.
 نقصان تولید در مورد محصولات کشاورزی صادراتی نیز
 صادق است. در سال جاری (۱۳۵۵) میزان محصول برخی
 از انواع کالاها صنعتی کاهش پیدا کرده است و "از سوی دیگر
 نمیتوان اطمینان کرد که صد و فرآورده‌های کشاورزی و خشکبار در
 سالهای آتی به مراتب از سالهای گذشته بهتر و بیشتر گردد".
 که هتان صادرات سنتی کشاورزی هم بعلمت اجرای سیاست امپریا
 لیسم در ایران بتدریج کاهش مییابد بقسمی که ایران همین محصو
 کشاورزی را منجمد است از خارج وارد کند. صادرات ایران هنوز

فائده کالاهای سنتی است و کالاهای سنتی خود مواجه با مشکلاتی
 شده است (تهران اکونومیست شماره ۱۱۶۷).
 شاید تولید کالاها صنعتی افزایش یافته است که شاه را
 نسبت به آینده خوشبین میسازد. اما تهران اکونومیست سیاه
 بروزی سفید مینویسد: تولید کالاها صنعتی نیز در سالهای اخیر
 در جازده و نتوانسته است جوابگوی نیازهای داخلی باشد چه رسد
 به اینکه بازاری برای صادرات داشته باشد ("همان شماره).
 بنابراین در همان موقع که شاهنشاه خواب صادراتی
 ۳۰ الی ۴۰ میلیارد دلاری می‌بیند صادرات ایران حتی صادرات
 سنتی کشاورزی در چارگاهش و بحران است. شاه وعده صادرات
 ده ها میلیارد دلاری میدهد در حالی که تولید در ایران بعلمت
 خرابکاری در کارخان از جانب زمامداران رژیم پیوسته رو به فقر
 میرود. رژیم شاه هیچ اقدامی برای بالا بردن و تشویق صادرات
 بعمل نیامورد برعکس اقدامات او در جهت ایجاد موانع و مشکلات
 بر سر راه صادرات است. بهانه برای این عدم توجه به صادرات
 درآمد هنگفت نفت است. در حال حاضر چون درآمد نفت داریم
 و از مورد نیاز کشور از فروش صد و آن تا مین میگرد و نیز قادریم
 هر چه کمبود داشته باشیم از خارج وارد کنیم. دیگر نیازی کویا به
 صادرات نیست.
 در واقع سیاست تغلیل صادرات و تولید سیاستی آگاهانه
 و تعمدی است و نه ناشی از این یا آن نقصان کار. تهران اکونومیست
 مینویسد: باید قبول کنیم که متأسفانه تمام چرخها در جهت تشو
 واردات در حرکت اند. حتی ترازنامه نمایشگاه‌های بین‌المللی
 نشان میدهد که برخلاف هدف اصلی این نمایشگاه ها قسمت
 اعظم این معاملات روی واردات است. لذا ادامه این سیاست
 و این فلسفه موجب تغلیل صادرات و تولیدات داخلی و بالا رفتن
 قیمت ها و تغلیل رشد اقتصادی خواهد شد. و این درست آن
 چیزی است که مورد نظر امپریالیسم است.
 امپریالیسم باید آنچه را که بایک دست میدهد با دست
 دیگر بازستاند. به این سیاست امپریالیستی، سیاست حفظ
 و دوام رژیم شاه و صیانت آن ازگزند همه بقیه در صفحه ۲

هر لحظه بشکلی بت عیار درآید

در اردو سته، روزیونیت‌های ایرانی چندی است. وظیفه، میرم. دفاع از آزادیهای دموکراتیک را رها کرده و سفت و سخت به
 ایجاد جبهه ضد دیکتاتوری، جسیبید ماند و آبرای غلط "بهرترین وظیفه" همه مخالفان استبداد محمد رضاشاه، میسازند. آنها ناله
 سر میدهند که نیروهای مخالف رژیم اکثر به دعوت آنها لیبیک نمیکنند و با آنها بیعت نمیکنند بعلمت "روحیات سکارتیستی" است که دست
 و پای آنها را می‌بندد و آنها را از قدرت و تحرک و ابتکار ساقط میکند. برای ارباب نیروهای مخالف رژیم و اجبار آنها به پیوستن به "جبهه"
 ضد دیکتاتوری، خواست مردم ایران راه رخ این نیروها می‌کشند. گویا مردم ایران با قاطعیتی هر چه تمامتر از نیروهای ملی و مترقی کشور
 می‌طلبند که پشت سر روزیونیت‌ها راه را بیفتند و سگراست طوق بر دگی روسیه را بگردن بگیرند.
 شعار "جبهه" ضد دیکتاتوری، انقلاب ایران را لااقل بد و مرحله تقسیم میکند: نخست مرحله ضد دیکتاتوری که طی آن باید همز
 با بخشی از طبقه، حاکمه مخالف با دیکتاتوری بسوی برانداختن دیکتاتوری محمد رضاشاه رفت و پس از تحقق این مرحله شاید بتوان مرحله
 انقلاب ملی و دموکراتیک را آغاز کرد.
 این "تئوری" مراحل انقلاب از زمره دستاوردهای روزیونیت‌ها است. این مردمان در کشورهای شرمایه‌داری پیشرفته
 که بنا بر بنیاد در آستانه انقلاب سوسیالیستی قرار دارند هرگز انقلاب را در دستور کار خود قرار نمیدهند. آنها بر آنند که برای رسیدن
 به مرحله انقلاب سوسیالیستی باید مراحل را از سرگردانند مثلا ابتدا با بخشی از بورژوازی امپریالیستی، آن بخش که در تضاد با
 انحصارهای بزرگ است بسوی "دموکراسی پیشرفته" رفت و سپس اگر شرایط نوبین مرحله نازما را برای انقلاب پیش شیور میتوان در
 باره انقلاب سوسیالیستی اندیشید. گروهی نیز بر آنند که انقلاب سوسیالیستی در این کشورها در نیای حاضر از انقلاب باخطر استقلال
 ملی میگذرد. نخست باید همراه با بورژوازی امپریالیستی علیه دشمن متجاوز خارجی جنگید، "استقلال ملی" را تامین کرد، آنکاه
 بسوی انقلاب سوسیالیستی رفت. در همه انقلاب سوسیالیستی به آینده موقوف میشود و بورژوازی همچنان در قدرت میماند. روزیونیت
 نیسم هم چیزی جز این نیست. روزیونیت هم هیچگاه سرنگونی بورژوازی را هدف نمیگیرد. و به انواع حیل از آن طفره میزود در عین
 اینکه به "تئوری"‌های خود خصلت علمی میدهد. شعار "جبهه" ضد دیکتاتوری، روزیونیت‌های ایرانی نیز در چارچوب "تئوری"
 انقلاب ملی گذار از مراحل مختلف است.

"جبهه" ضد دیکتاتوری، در اردو سته، "کمیته" مرکزی، چیست و چه هدفی را دنبال میکند؟
 شرایط عینی جامعه، ماتریوهای انقلابی را در برابر انقلاب ملی و دموکراتیک میگذارد. ایران در آستانه انقلاب دموکراتیک نوین
 است اما برای روزیونیت‌های ایرانی مسئله انقلاب مطرح نیست، مسئله سرنگون ساختن طبقه حاکمه وابسته به امپریالیسم و انتقال
 قدرت بدست خلق و سپس برانداختن همه پایگاه‌های امپریالیسم و ریشه کن کردن نفوذ آن در دستور روز نیست. برای آنها انقلاب
 دموکراتیک ملی مرحله‌ای است که بعد خواهد آمد. اکنون باید دیکتاتوری شاه را برانداخت. برانداختن دیکتاتوری البته نه مستلزم
 برانداختن سلطنت است که مغایر با "قانون اساسی" است و این مردمان سالها مبارزه در چارچوب قانون اساسی راه همگان تبلیغ
 و توصیه کرده‌اند و نه مستلزم بیرون آوردن قدرت از کف طبقه حاکم وابسته به امپریالیسم. باید مبارزه کرد تا دیکتاتوری به دموکراسی
 بدل شود بدون آنکه به ترکیب طبقه حاکمه دست بخورد، بدون آنکه سلطه امپریالیسم در ایران گزند می‌بیند، حتی محمد رضاشاه
 جانی نمیتواند بر تخت سلطنت بماند یا حداقل سرش جای او را بگیرد، آنکاه در شرایط "دموکراسی" میتوان بساط خود را پهن کرد و از
 "شاموتی" هزارویک حقه و تیرنگ بیرون کشید و به مطامع سوسیال امپریالیسم شوروی جامعه عمل پوشید. در واقع شعار "جبهه" ضد
 دیکتاتوری، این در اردو سته بعنوان "بهرترین وظیفه" همان شعار مبارزه با خطر "آزادیهای دموکراتیک" بقیه در صفحه ۲

گرامی باد یاد تیرباران شدگان و همه شهیدان!

هر لحظه بشکلی بت عیار برآید . بقیه از صفحه ۱
 است که بشکل دیگری برآمده است منتها این بار با بکار گرفتن اصطلاح مهیب "دیشاتوری" خواسته اند نیروهای مخالف رژیم را خلع سلاح کنند و آنها را به تسلیم وادارند .
 ترکیب این "جبهه" کدام است ؟

باز هم بعنوان "مبشرترین وظیفه"

رویز یونیس ها از نیروهای مخالف رژیم صحبت میکنند بدون آنکه آنها را مشخص کنند . اگر منظور "جبهه" ملی است که این "جبهه" بنوشته خود رویز یونیس ها مدتی است در "جبهه" آنها ادغام و مستحیل شده است ! اگر منظور نیروهای "مائونیستی" هستند که رویز یونیس ها خوشبختانه در پی است از آنها دوری کند و جانی در "جبهه" برای آنها نیست . بالاخره اگر منظور چریکهای ایرانند که آنها نیز بعنوان "تروزیست" ، "آوانتوریست" ، "طهم از سازمان امنیت" و نظائر آنها در "جبهه" صد دیشاتوری جانی برای خود نمی یابند . بعلاوه همه این نیروها ماهیت را در دست "کمیته" مرکزی را باز شناخته و آنها را در صفوف دشمن خلق جای داده اند . روشن است که افسوسناکانه نیروهای رویز یونیس ها در آنها تاثیر نمی بخشد . از غیبت کارکرد هفتان هم که مطلقاً نامی در میان نیست .

واقعیت اینست که نه نیروهای مخالف رژیم برای این مردمان مضر است و نه توده های مردم ناراضی . آن نیروهای گسسته میتوانند در "جبهه" صد دیشاتوری در کنار رویز یونیس ها قرار گیرند عبارتند از آن "گروه هائی از طبقه حاکم که تا چندی پیش پشتیبان رژیم بودند و اکنون با احساس فشار و بیزاری عواقب وخیم سیاست ماجراجویانه رژیم حساب خود را از محمد رضا شاه جدا میکنند" یعنی بخشی از بورژوازی وابسته به امپریالیسم که شیوه حکومت شاه را نمی پسندد . این بورژوازی از خود ستوان میکند که آیا وقت آن نرسیده است که آمریکا از پشتیبانی بیچون و جرای رژیم ماجراجوی شاه ایران دست بردارد ؟

اماد رشک را این بخش از بورژوازی که حساب خود را جدا میکند روحیه اعتراض و عدم رضایت مردم در داخل ارتش نیز ضعیف میکند . افسران عالی رتبه ای از قماش بختیار شاید وجود دارند که میخواهند جای شاه را بگیرند . جان کلام هم همین حال است . این بخش از بورژوازی واقفان ناراضی "در صحنه" بین الطلی از پشتیبانان نیرومندی برخوردارند که رویز یونیس ها با آنها بطور غیر مستقیم در ارتباط اند . واقعیت اینست که پایگاه رژیم ماجراجو و میلیتاریستی شاه در خارج از کشور در جهان امپریالیستی نیز با درگیری هائی مواجه گردیده و بخشی از رجال سیاسی آمریکا رحمت از شاه در چارترید و نترانی گردیده اند "بی بنیاد که نیروهای محرکه" انقلاب ضد دیشاتوری از چه قماش مردمانند .

حال تمام این مطالب را که از مجله "دشمن" شماره ۶ شهریور ۱۳۵۵) اقتباس شده ، مصادفای بلند و بیلی پس از دیگری در کلام کنید خواهید دید که همان نمعه "شبه" کودتای نظامی با چیزی نظیر آن ، فرمان آن "بخش از رجال سیاسی آمریکا که در حمایت از شاه در چارترید و نترانی شده اند" و بدست افسران از قماش بختیار در کوششها طنین می افکند . این مردمان که خود از انقلاب کریزان و دشمن انقلاب باند ، اینها که به توده های مردم و به طبقه کارگر ایران پشت کرده اند ناچارند خود را بر بخشی از بورژوازی وابسته به امپریالیسم شکر دهند ، به دفاع از منافع آنها برخیزند و امیدوارند در از این خدمت پس از کودتا ، کورد تاجیان به آنها شوروی روی خوش نشان دهند و راهی برای آنها باز شود تا بتوانند بالاخره وظیفه شوم و ننگینی را که برعهده گرفته اند انجام دهند و این وظیفه همان وظیفه "شاهنشاه" است منتها در قبال سوسیال امپریالیسم روس در این میان "جبهه" صد دیشاتوری که در آن "نیروهای مخالف رژیم" باید شرکت جویند فقط جانشینی موضوع است .

گدام نیروهای ملی و مترقی مخالف رژیم ، کدام کارکرد در هفتان و روشنفکر مهین پرستی است که بخاطر حفظ منافع بخشی از بورژوازی ایرانی وابسته به امپریالیسم و بخشی از رجال آمریکا که پشت سر آن است در جبهه های با رویز یونیس ها که سرشان با تزارهای کرملن بند است شرکت جویند ؟ چنین جبهه های از هر سو که بنگری اسباب اسارت و بردگی است .

نه . آقایان رویز یونیس ، خلق های ایران و در پیشانی آنها طبقه کارگر و انقلابیون مبارزه میکنند برای آنکه سلطنت را حفظ کنند و اختیار خود را بدست بخشی از همین بورژوازی وابسته به امپریالیسم آمریکا بسپارند ، مبارزه نکنند برای آنکه شما نولران سوسیال - امپریالیسم را بر ایران مسلط سازند که عنان مملکت و خلق را بدست تزارهای شکست خورده .

برای خلق های ایران و در پیشانی آنها طبقه کارگر و انقلابیون مبارزه میکنند برای آنکه سلطنت را حفظ کنند و اختیار خود را بدست بخشی از همین بورژوازی وابسته به امپریالیسم آمریکا بسپارند ، مبارزه نکنند برای آنکه شما نولران سوسیال - امپریالیسم را بر ایران مسلط سازند که عنان مملکت و خلق را بدست تزارهای شکست خورده .

مبادلات . . . بقیه از صفحه ۱
 نیروهای ایرانی و آژان
 جمله همه نیروهای خارج از کشور اضافه میشود . همچنین جنبه های
 که بموازات کاهش صادرات ایران ، واردات از خارج قوس صعودی
 عجیبی می بینیم و شاه همه کشورهای را از درآمد نفت سهمین میداند
 برای آنکه پشتیبانی آنها را از رژیم و در آنجا که لازم است همکاری
 آنها را با رژیم جلب کند . بیهوده نیست که کشور سوئد ، همان
 کشوری که در آن بدگاه جنایات امپریالیسم آمریکا در رویتنام تشکیل
 شد بخاطر چهارده انشجوی ایرانی اخراج شده از فرانسه نگران
 است ، نگران است که نشکند به منافع او در ایران . لطمه وارد آید ؛
 بیهوده نیست که کشور سوئیس وقتی فعالیت ساواک در آن برملا
 شد بدستور مقامات ایران بر آن سرپوشه کشیدند تا مبادا شاه به
 غضب بنشیند و صادرات سوئیس به ایران زیان ببیند بیهوده
 نیست که ژسگارد ستن وزیر کشورش در مورد ایرانیان مقیم فرانسه
 به همکاران شاه و مقامات ساواک بدل شده اند ؛ بیهوده
 نیست که دولت ترکیه جوانان ایرانی را اینهمه تحت فشار قرار میدهد
 مبادلات تجاری ایران با هیچ کشوری حتی متعادل هم
 نیست ، همیشه واردات بر صادرات فزونی دارد . قرارداد مشابه
 پایایی با اتحاد شوروی نیز از این قانون مستثنی نیست ، و این فزونی
 در مواردی به نفع ما بر میآید . قرارداد های تجاری ایران با
 کشورهای مختلف همیشه برزبان کشور ما و سود طرف دیگر قرار داده
 است . بررسی آمار و مبادلات بازرگانی ایران و ترکیه نشان میدهد
 که در حال حاضر تنگای عمیقی میان صادرات و واردات ایران و
 ترکیه وجود دارد بطوری که تنها در طول سال گذشته در قبال ورود
 ۱۳۱ میلیون کیلوگال به ارزش ۶/۱ میلیارد ریال از ترکیه تنها ۲۰

هزار و یک طریقه ثروت مند شدن

"رئیس حسابداری گنجینه کنگره" هفدهم حزب ، پوزین
 نقد ارزیابی از بیت المال عمومی اختلاس کرده است . دادگاه
 محل او را به هشت سال زندان با اعمال شاقه محکوم کرده است
 ("پراودا" ، ۷ سپتامبر ۱۹۷۶) .

در جریان تحقیقات معلوم شد که همکاران او و حتی بازرسی
 که برای رسیدگی به حساب او آمده بود با او همدست بودند و
 یا به اختلاس او بدیده اغراض مینگریستند .

وقتی در جامعه ای پول در مقام والاتی جای گرفت ، وقتی
 خروشچف و جانشینان او شعار "ثروت مند شوید ! سر میدهند"
 و وقتی با دستمزنی برابر ۶۰ تا ۸۰ روبل در ماه نمیتوان ثروت مند
 شد ، ناگزیر برای تحقق شعار "رهبران" باید راه های دیگری
 برگزید . آقای پوزین رئیس حسابداری ، راه دستبرد به صندوق
 را انتخاب کرده بود ، چنانکه خانم وزیر فرهنگ سابق شوروی ، عضو
 سابق پرئیزه یوم حزب برای ساختن ویلائی برای دختر خود ،
 یواشکی و بطور نامشروع از پول و وسائل دولتی استفاده کرد .

ارزندی . . . بقیه از صفحه ۳
 در ۸۰۰ متری این تنها
 چشمه آب قراجه اقدام بزدن جاه می نماید ، طبق تجربه ای که
 در هفتان محل از نقاط دیگری که بوسیله زدن چاه های عمیق
 داشتند خطر را بقورت حس کردند و بی دانستند اگر فوئدال محل
 موفق شود چاه عمیق زدن دیگر کار آب چشمه تمام است و این تنها
 چشمه ای که زندگی اهالی سه دهه مزبور بدان وابسته است ، در
 نتیجه در هفتان ده قراجه در تابستان امسال شبانه حمله محل
 چاه کرده چاه را با سنگ و خاک پر میکنند و بعد از این واقعه ۱۰
 زاندارم شبانه حمله بده کرده ۶۰ نفر از جوانان ده را دستگیر
 میکنند و زند امری محل میبرند و بعد از آن آنها را تحویل زند آنها
 شهر جنورد میدهند و هم اکنون نیز همه این افراد در زندان
 بسر میبرند ، ولی والدین دستگیرشدگان همگی بداد سرافراشته به
 دامستان شکایت میکنند و درخواست آزادی فوری فرزندانشان را
 میکنند ولی دادستان ، بدفاع از مالک پرداخته و والدین زند
 را تهدید میکند ، مالک نه فقط بوسیله دادستان پشتیبانی میشود
 بلکه فرمانداری شهر نیز علناً بدفاع از وی برخاسته است .

شکوفه هائی . . . بقیه از صفحه ۱
 صد ها واحد ها بار بیشتر
 ارزش داشت تا در آرای کشتن چند جاسوس پرست در رت درگیری
 در لیرانه ولی منفر دانه بانوهای قهریه رژیم قربانی شوند . اما
 رفقای چریک بدون توجه به شعوری ، بدون توجه به براتیک و تجربه
 بدون توجه به واقعیت سرخورد باید یوار می شوند و لجن جانه در راهی
 که در پیش گرفته اند اصرار میورزند .
 سازمان مارانیتوان به مخالفت با مبارزه مسلح سهم
 ساخت ، ما از همان روزید ایش سازمان به تبلیغ مبارزه مسلح
 پرداختیم ، لزوم تدارن آن و ضرورت آنرا بنام راه نیل به
 قدرت سیاسی بطور مستقیم آورده ایم . راه مبارزه مسلح راه
 سازمان ما ، راه حزب طبقه کارگر ، راه آزادی خلق های ایران
 است . راه چریکی اگرچه درگیری مسلح است ولی راه مسلح
 مبارزه پیروزمند نیست . رفقای چریک هرچه زود تر بخود آیند ،
 هرچه زود تر این بیراهه ها را رها کرده و در شاهراه مبارزه کام
 گذارند . شاهراهی که اگرچه پوشیده از موانع و مشکلات ولی
 پیروزی در پایان آن نمایان است - به انقلاب ایران ، به برچیدن
 بساط دشمنان خلق یاری رسانیده اند .

مادر عین اینکه از خصائل انقلابی چریکهای قهرمان
 ایران الهام میگیریم و میآموزیم ولی هرگز به راه آنها نخواهیم
 رفت . این راه طبقه کارگر ایران نیست .
 نام قهرمانان شهید زنده و جاودان است .

خصوصیت مبادلات تجاری ایران اینست که واردات با
 سرعت شگفتی بالا میروند در حالی که صادرات همواره قوس نزولی
 می بینیم . شاهی که حیات رجشتم ندارد همین چند ی پیش از سر
 ریافت که به مردم دروغ نباید گفت . اما خود او طلی هم اینست
 واقعیت سرسخت و غم انگیز بعد دروغ صادرات ۳۰ الی ۴۰
 میلیارد دلاری میدهد . این بی خیانتی هم خیال میکند که
 دروغ های او در ایران و جهان خریدار دارد !

اطلاعه... بقیه از صفحه ۴
 اید کولوزی، روزوازی، پیروزه، علمینوع و بیونیستی آن بدست میاید.
 هر دو هیئت نمایندگی برآند که کنگره هفتم حزب کارآلبانی
 یک واقعه مهم تاریخی است نه تنها برای آیند درخشان آلبانیسی
 سوسیالیست بلکه برای تمام جنبش مارکسیستی - لنینیستی جهان.
 در اوضاع و احوال کنونی گزارش رفیق انورخوجه به کنگره بدست
 آورد بزرگی است در مبارزه میان مارکسیسم - لنینیسم واقعی و
 روزیونیسم نقابدار. این گزارش افترا سوسیالیسم پرولتری را
 که هیچ حزب مارکسیست - لنینیست واقعی نمیتواند از آن روی
 گرداند در مقام والائی قرار میدهد و از این جهت سهم پرارزشی
 است در وحدت رزنده احزاب مارکسیست - لنینیست واقعی؛
 وحدتی که شرط اساسی پیشرفت انقلاب در تمام قاره ها است.
 حزب کمونیست انقلابی شیلی و سازمان توفان وظیفه
 خود می شمارند که در مبارزه ضد فاشیستی و ضد امپریالیستی از

یکدیگر پشتیبانی کنند و بار دیگر اعلام میدارند که یگانه راه نیل
 به آزادی واقعی خلق ها مبارزه مسلح تودهای طولانی است
 که تحت رهبری طبقه کارگر و حزب مارکسیست - لنینیست آن انجام
 میگردد. بدون یک رهبری سیاسی صحیح و یک جبهه وسیع
 تودهای بدون یک ارتش تودهای خلقی هاجیزی بدست
 نخواهند آورد.

زنده باد مبارزات خلقی های شیلی و ایران!
 زنده باد وحدت مارکسیست - لنینیست ها!

نشریات جدید توفان

نشریه شماره ۴۸: وضع بین المللی و جنبش بین المللی مارکسیستی -
 لنینیستی. اثر رفیق انورخوجه بها: معادل ۱۰ ریال
 نشریه شماره ۴۹: دواثر از استالین. بها: معادل ۱۰ ریال
 فهرست نشریات توفان - تا آور ۱۳۵۵

از زندگی... بقیه از صفحه ۴
 با هرید بختی شده
 کسان کسان میآورد، در موقع تعویض در متوجه میشود که این روز
 راهیج نوجی نمیتواند بدیوارهای زانغ بچسباند چون که دیوار
 های زانغ از پیت های حلیی بود که بوسیله آشفال پرشد بودند
 وبلا اجبار برای در بایست فکری میکرد در این حین زاندری میرید
 و اورا بجرم اینکند ارد شکل زانغ اعرض میکند بزاند ارمری جلب مینما
 البته محرم بیچاره باید این درستگن را دروش کشیده تا زاندری
 برود، بالاخره بعد از چند روز موفق بد ریافت در میگرد. بعد از
 سه ماهی که از زندگی در کار زانغ نشینان که بالغ بر... زانغ
 بود میگردد یک روزی از طرف مامورین شخصی دولتی وزاندری
 شروع بشعردن زانغ ها میکنند و بهرفا میل زانغ نشین شماره ای
 می دهند و بعد از ۲ هفته ناگهان ماشین های باری شهر داری
 واتوبوس های کهنهای وارد محل های زانغ نشینان شده طبق
 شماره زانغ نشینان خانواده های کارگران را سوار بر ماشین
 کرده بطرف جاده ری (جاده شاه عبدالعظیم) می برند.
 قبل از بردن بطرف جاده ری البته عد های ازما مورین
 عالی رتبه شهر داری باز دیدی از زانغ های این ناحیه کرده و با
 عد های نیز صحبت کرده بودند و تا سف خورد بودند که ایسن
 زانغ ها جای زندگی نیست و طبق اوامر شاه بد آنها باید در همراه
 که سه ماهی بیشتر نماند، خانه های ساخته شده درین بد هند
 بالاخره بدین نحو عرض چند روز پیش از هزار فامیل کارگر زانغ -
 نشین راه جاده ری آوردند و در چادرهایی جای دادند و روز
 های اول اقامت چند تا تیمسار ارتش آمد به باخوش زبانی اعلان کرد
 که بزودی همگی از برکت اوامر ملوکانه صاحب خانه خواهد
 شد، کارگران با مقدری شک و تردید وعد و وعید جناب تیمسارها
 را قبول کردند. بولد وزرها ی شهر داری نیز در عرض ۱۰ روز
 آن ناحیه را صاف و هموار کردند. وعد های راهم که مقاومت کرد بودند
 و وسائل خود را سر مود مقرر از زانغ ها خارج نکرد و بودند دست
 خالی سوار ماشین های شهر داری کرده زانغ هایشان را با اموال
 اشان در چار بولد وزرها کردند.

در این ناحیه سه نوع زانغ وجود داشت: زانغ های
 زانغ های پلاستیکی - زانغ های کارتنی.
 ماه مهر آمد و گذشت نه از سرتیب ها خبری شد و نه از خانه
 هائیکه باید کارگران طبق اوامر ملوکانه در ریافت میکردند بجای
 آن سر شماری شروع شد هر کس که از اهالی تهران نبود باید هر چه
 زودترین ناحیه را ترک میکرد. زمستان فرارسید. عد زیادی
 از شدت سرما مرض و تلف شدند و دسته دسته با ضرب وزر و ریس
 وزاندرم سولوا نشین های شهر داری شده بطرف قزوین برد و
 شده، بیرون ریخته شدند، وضع بسیار اسفناکی در این شهرک
 چادر نشین بوجود آمده بود و کاربرد انجا رسید که درون کارگری
 خود بنزین ریخته، در ملا عام خودشان را آتش زدند بعد از
 این ماجرا که باعث کشته شدن یک کارگر شد دولت موقعا از تخلیه
 این چادرها صرف نظر کرد، بالاخره در نتیجه سرمای زمستان و
 گرمای تابستان نزدیک بنصف افراد زانغ نشینان ساکن چادرها
 تلف شدند.

۱۰ تن دهقان دستگیر شد قراجه هنوز هم آزاد نشده اند
 بخش "مانه" در شمال شهر جعفری قرار دارد و سه دهات
 بد رانلو - قراجه - سریوان جز این بخش هستند در این سه ده
 زارغین زحمت کش مثل دیگر نقاط ایران بکشت زرع مشغولند و زمین
 های مزروعی و باغات این نواحی بوسیله آب چشمه ای است که در
 ده قراجه است هم چنین آب این چشمه تنها آبی است که مورد
 استفاده برای استفاده شخصی و باران بدام های خود هستند
 ولی در این دهات افراد نیمه قنودالی نیز زندگی میکنند که باتمام
 رویای زاندری و بخش داری در ارتباط نزدیک هستند، اخیرا
 یکی از تیمه قنود الهای بد رانلو باز و بند هائی با مامورین دولتی
 اجازه زدن چاه عمیقی کسب میکند بقیه از صفحه ۴

شاه و خرید اسلحه. بقیه از صفحه ۴
 اوفتد؟ همه کس میداند که شاه بارها در مصاحبات مطبوعاتی خود صریحا اعتراف کرده که سیاست رژیم بر اساس دگرگین نیکنسون استوار
 است به این معنی که امپریالیسم آمریکا کار تائین منافع خود را در ایران و در منطقه خلیج فارس به رژیم شاه واگذاشته است و سیاست
 شاه چیزی جز سیاست مستقل آمریکا در منطقه نیست و نمیتواند باشد، سیاستی که کاملا با منافع امپریالیسم میخواند. هدف این سیاست تا
 غارت ثروت های مادی و انسانی خلیج فارس است از طریق سرکوبی نیروهای مترقی و انقلابی و در عین حال تلاش برای جلوگیری از نفوذ سوسیال -
 امپریالیسم شوروی در این منطقه. کوشش شاه برای ایجاد پیمان دفاعی میان کشورهای مسلح خلیج فارس منظور نیل به این هدف است.
 امپریالیسم آمریکا برخلاف نوشته روزنامه کیهان که میخواهد سیاست شاه را مستقل بنمایاند از چنین پیمانی پشتیبانی و تأیید همه کشورهای
 خلیج توصیه میکند و کیسینجر پس از انعقاد قرارداد هفتم اوت در یک مصاحبه مطبوعاتی با حضور وزیر اقتصاد ایران ضمن تجلیل از نقش
 "سازنده" ایران در صحنه بین المللی از کشورهای منطقه دعوت کرد که "بخاطر مصالح جهان و مصالح پیشرفت منطقه با ایران همکاری کنند."
 د هاسلیبار در لا ریول ایران با ضافه کوهی از اسلحه آمریکائی و دهها هزار کارکنان نظامی آمریکا برای اجرای سیاست امپریالیسم
 آمریکا در منطقه. از هر سو که بنگری برد با امپریالیسم پیروزه امپریالیسم آمریکا است. اینست آنچه که مردم میهن ما گویا باید بنماید: سیاست
 "مستقل" بستایند!

کیسینجر در مصاحبه مطبوعاتی هفتم اوت برای آنکه میدان این نکته از یاد برود بار دیگر بر مورد تقویت قدرت دفاعی ایران یاد آوردند
 که سیاست ایران در این زمینه در انطباق با منافع آمریکا است و آمریکا گویا دلش برای امنیت دیکران میسوزد چون کیسینجر میگوید که آمریکا
 آرزو مند است که کشورهای بکوشند تا دفاع خود را خود برعهده گیرند! انسان واقعا از این همه نگرانی آمریکا برای استقلال کشورهای دیگر
 در شگفت می ماند!

اکنون این سوال مطرح میشود: آیا خرید های هنگفت اسلحه بخاطر دفاع از ایران است؟ واقعیات موبد این نظر نیست. هم
 اکنون ارتش ایران در آنسوی خلیج به سرکوبی خلق ظفار که برای آزادی و استقلال خود بپا خاسته مشغول است. هواپیما های ارتش
 ایران پیوسته در آسمان جمهوری تود های یمن به کار اکتشافی می برد از بند و حاکمیت این کشور را نقض میکنند. شاه بارها اعلام داشته است که
 هرگز استقرار یک نیروی رادیکال را در آنسوی خلیج تحمل نخواهد کرد تا اینکه "ایران مصمم است آنقدر رهانیروند شود که ثبات منطقه را
 (و نه دفاع ایران را - توفان) اگر لازم باشد به تنهایی حفظ و حراست کند." وانگهی اسلحه های مدرن معمولی: هواپیما و جنگی،
 تانک، توپ و غیره میتوانند هم برای تجاوز و هم برای دفاع مورد استفاده قرار گیرند. مگر این واقعیت نیست که هواپیما های دفاعی ارتش
 ایران پیوسته به مرز های هوایی یمن جنوبی تجاوز میکنند یا موشک های "دفاعی" ارتش ایران سرزمین ظفار را در هم میگویند؟ آیا تجاوز به
 یمن جنوبی دفاع از مرز های ایران است؟ مگر خلق ظفار امنیت ایران را به خطر انداخته یا به ایران تجاوز کرده است؟
 بفرض آنکه تقویت قدرت نظامی شاه را بخاطر دفاع از کشور بد انیم اما دفاع در برابر یکی؟ بنایه اعتراف شاه و وزیر خارجش روایت
 دولت ایران با کشورهای همجوار بسیار دوستانه است، هیچ کشوری ایران را تهدید نمیکند، قصد حمله و هجوم به ایران را ندارد. البته
 اتحاد شوروی میتواند تحریکات خود را در زیر لفافه های گوناگون همیشه از سر گیرد ولی خرید ده ها میلیارد اسلحه بیش از آنست که برای
 جلوگیری از چنین تحریکاتی علیه ایران ضروری است. میمانند حمله مستقیم امپریالیسم شوروی که چشم طمع به کشور ما و خلیج فارس دوخته
 است. شاه خود بارها اعتراف کرده است که در صورت حمله شوروی ارتش ایران قادر نخواهد بود در برابر آن بایستد و لذت اناکتیک جنگی
 شاه تاکتیک "سرزمین سوخته" است یعنی ارتش ایران در برابر ارتش شوروی عقب می نشیند و بر سر راه خود همه چیز را میسوزاند و ناپدید میکند.
 تا سوسیال امپریالیسم با بیابانی "برهوت" روبرو گردد. اما نتیجه نهائی آن چیست؟ نتیجه آنست که این "دفاع" سرانجام به اشغال
 شوروی پایان خواهد یافت. شاه و خانواده "نگینش مانند پدر قدش به آغوش امپریالیسم پناه خواهد برد و این خلق ایران است که
 تحت استیلای امپریالیسم روس خواهد افتاد که اگر شرایط آن وحشتناکتر از شرایط امروز ما نباشد از آن دست کمی نخواهد داشت.

عنوان مکاتبات
 X.DR.GIOVANNA GRONDA
 87030 ARCAVACATA (CS) ITALY
 حساب بانکی
 X.DR.GIOVANNA GRONDA
 CONTO 17549/11
 CREDITO ITALIANO AGENZIA 16
 MILANO/ITALY

نابود بان دود دشمن بزرگ خلق های جهان: امپریالیسم و سوسیالیسم امپریالیسم!

شاه و خرید اسلحه

شاه که سالهاست صد ها صد ها ملیون دلار درآمد نفت را به خرید اسلحه از همه نوع و همه رنگ اختصاص داده است و میدهد ، بر آنست که قدرت نظامی ایران باید آنچنان افزایش یابد که در زمره پنج کشور نظامی بزرگ جهان قرار گیرد . تمام دستگاه دولتی ایران ، تمام مطبوعات مزد ورزیم و تمام دنیای امپریالیسم خرید های هنگفت اسلحه و تقویت نیروی نظامی ایران را بمثابة " تقویت نیروی دفاعی کشور " در برار حمله و هجوم دشمنان می ستایند و تمجید میکنند . آیا درست است که خرید های هنگفت اسلحه بمنظور تقویت " بنیه " دفاعی کشور است و اگر چنین است دفاع و گارانی ارتش ایران بالا می رود ؟ آیا انباشتن سلاح های کوناگو در کسور منظر ایران بمعنی افزایش قدرت نظامی است و آیا واقعا بر اثر انباشتن اسلحه قدرت و گارانی ارتش ایران بالا می رود ؟ آیا اساسا خرید های اسلحه بسود و به مصالح خلق های ایران است ؟

خرید بی بند و بار اسلحه بویژه از زمانی شروع شد که در ماه ۱۹۷۴ نیکیون و کیسینجر که در آن زمان مشاور مخصوص رئیس جمهور و آمریکا در امور مربوط به امنیت ملی بود ، به شاه ایران وعده دادند که هر نوع اسلحه عادی را که مایل باشند در اختیار او خواهند گذاشت . افزایش ناگهانی بهای نفت در ۱۹۷۳ برای بلند پروازهای شاه میدان وسیعی بود فراهم آورد و در ضمن امپریالیسم آمریکا و دیگر امپریالیسم ها را بر آن داشت که با هر وسیله ای و از جمله فروش هنگفت اسلحه هر آنچه را که افزایش بهای نفت از دست آنها بیرون می آورد دوباره به کیسه های خویش بازگردانند .

از این تاریخ سیل اسلحه است که از آمریکا و دیگر کشورهای امپریالیستی به ایران سرازیر شده است ، علی رغم اینکه کمیسیون امور خارجه سنای آمریکا در سند تنظیمی خود از فروش بی حساب اسلحه به ایران ابراز نگرانی کرده است ، فروش بی حساب اسلحه همچنان ادامه خواهد یافت چون در همین سند آمده است که بنظر جناب سنا تئور رئیس این کمیسیون " با آنکه تحویل های عظیم اسلحه بدون سمت گیری سیاسی انجام گرفته است آمریکا اکنون قادر نیست به تحویل اسلحه پایان دهد یا از آن بگذارد یا حتی برنامه تحویل های نظامی بهای را تراشید و در قرارداد های که میان آمریکا و ایران در هفتم اوت سال گذشته منعقد گردید در حدود ده میلیارد دلار به خرید اسلحه تعلق میگیرد که در جز " ۴۰ میلیارد دلار مبادلات تجاری نیست . بر طبق سند کمیسیون امور خارجه سنای آمریکا از ۱۹۷۲ تا زمانی که قرارداد فوق بسته شده ، فروش اسلحه به ایران به ده میلیارد دلار بالغ میگردد . بدین ترتیب فقط ۱۹۷۲ تا اوت ۱۹۷۶ بیست میلیارد دلار از درآمد نفت به مصرف خرید اسلحه از آمریکا رسیده است . اما آمریکا یگانه منبع خرید اسلحه ایران نیست . کشورهای امپریالیستی دیگر نیز میلیارد ها دلار اسلحه به ایران فروخته اند و رقابت آنها میان خود کثرتز رقابت آنها با آمریکا نیست . شاه ایران حتی سوسیال امپریالیسم شوروی را نیز از درآمد نفت بی نصیب نگذاشته است و طبق اطلاعاتی که در دست است بیش از یک میلیارد و صد ملیون دلار اسلحه و مهمات و تجهیزات جنگی از شوروی خریداری شده است . ده ها میلیارد دلار برای خرید اسلحه ارقام نجومی است . فروش اسلحه به ایران یکی از منابع غارت امپریالیسم و بویژه امپریالیسم آمریکا است .

اما کار خرید اسلحه پایان نمی پذیرد . ایران نه پرسنل لازم و نه ظرفیت صنعتی و فنی لازم را برای بکار بردن و حفظ و نگاهداری سلاح های بسیار مدرن تحویلی را ندارد و از اینرو اعزاز تکیسین های آمریکائی به ایران ضروری است . در واقع هم آمریکا بدنیال تحویل اسلحه کارشناسان و مستشاران نظامی خود را به ایران گسیل میدارد تا گویا به افراد و افسران ایرانی بکار بردن این سلاح ها را بیاموزند . سرزمین ایران اکنون جولانگاه ۳۰ تا ۴۰ هزار کارشناس نظامی آمریکاست و علی رغم تگدیب های نیم بند شاه در ۱۹۸۰ تعداد آنها به ۴ هزار تن بالغ خواهد گردید . امپریالیسم آمریکا اکنون کنترل ارتش و سازمان امنیت را در دست داشته است حالا چند ده هزار مستشار نظامی نیز بر کارشناسان سابق افزوده شده و خواهد شد .

آیا نبوهی از اسلحه آمریکائی و اروپائی همراه با ده ها هزار مستشار نظامی آمریکائی در کشوری که مطمح امپریالیستهاست و از لحاظ صنعتی و فنی و مهارت نیروی انسانی بسیار ضعیف است ، جز در راه تأمین سیاست و مصالح امپریالیسم و بویژه بقیه رصفحه ۳

اطلاعیه مشترک حزب کمونیست انقلابی شیلی و سازمان مارکسیستی لنینیستی توفان

اخیرا میان هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب کمونیست انقلابی شیلی و نماینده سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان ملاقاتی صورت گرفت که در محیط رفاهت و همبستگی کاملی جریان یافت . در مسائل مختلف مربوط به اوضاع و کشور و اوضاع بین - المللی تبادل نظر بعمل آمد . در تمام مسائل مطروحه اتفاق نظر کامل وجود داشت .

هر دو هیئت نمایندگی بر آنند که در ابر قدرت آمریکا و اتحاد شوروی و دشمن بزرگ خلق های جهان اند و لازم است در مبارزه با آنها همه نیروها را در همه زمینه ها بسیج کرد . اما در شیلی این امپریالیسم آمریکا است که خلق را استثمار میکند و مورد ستم قرار میدهد و در ایران نیز امپریالیسم آمریکا امپریالیسم متفوق است امپریالیسم آمریکا در هر دو کشور و شیلیان و حامی رژیم هائسی است که خود بر سر کار گماشته است . از اینرو دشمن عمده و خلق های هر دو کشور امپریالیسم آمریکا است . معدنک هرگز نباید از یکبار علیه سوسیال امپریالیسم باز ایستاد زیرا که خلق های ما برای آزادی و استقلال واقعی میروند ، نه اینکه یک امپریالیسم را با امپریالیسم دیگر جانشین سازند .

مبارزه با خطر استقلال ملی و علیه سیادت طلایی و وابستگی در سطح جهانی و نیز علیه فاشیست ها و مرتجعین هر دو کشور و ایجاد میکند که تمام نیروهای را که میتوانند باید یک متحد شوند متحد ساخت . اما فقط رولتاریا و حزب آن با حفظ استقلال سیاسی و سازمانی خود قادر است این مبارزه را بطور یکپرو تا پیروزی نهائی به پیش برد .

هر دو هیئت نمایندگی بر آنند که در جنبش کمونیستی و کارگری روئینویسم همچنان خطر عمده است مشی رویونیستی نه تنها به شکست می انجامد بلکه خلق ها را از لحاظ سیاسی ، ایدئولوژیک و مادی خلع سلاح میکند و آنها را به ناکامی و ظلمات فراوان می کشاند . حوادث شیلی این حقیقت را بحدی نشان داد ، حوادثی که رویونیست ها آنرا به " جهالتیان بمثابة نمونه " مشخص " راه مسالمت آمیز " معرفی کردند . یکبار دیگر این حکم لنینیستی به اثبات رسید که بنا بر آن نمیتوان بدون پیکار علیه رویونیسم بطور جدی علیه امپریالیسم و از جنج مبارزه کرد .

هر دو هیئت نمایندگی وظیفه خود می شمارند که وحدت بزرگ جنبش مارکسیست - لنینیست بین المللی را که حزب کمونیست چین و حزب کارآلبانی در رأس آن قرار دارند بر اساس مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری تقویت کنند ، این وحدت بزرگ فقط در سایه مبارزه مداوم بقیه رصفحه ۳

شوروی و افزایش بهای نفت

شاید افزایش بهای نفت توسط کشورهای عضو " اوپک " با زهم فرصتی برای سوسیال امپریالیسم شوروی فراهم آورد که دست به عوامفریبی بزند و با پشتیبانی خود از افزایش بهای نفت از یکسو خود را در عداد نیروهای ضد امپریالیست جا بزند و از سوی دیگر خود را حامی خلق های محروم و ستمدیده بنمایاند . اما در واقع سوسیال امپریالیستها شوروی از افزایش بهای نفت استقبال و پشتیبانی میکنند زیرا که از این افزایش سود های کلانی میبرند . اتحاد شوروی که اکنون اولین تولید کننده نفت جهان است مقداری از آن را خام یا تصفیه شده به کشورهای غرب اروپا صادر میکند . افزایش بهای نفتی به آنها امکان میدهد که ارزود لاریشتری بدست آورند و نیاز مند به خود را در زمینه تکنولوژی غرب بر طرف سازند . اما افزایش بهای نفت کشورهای صنعتی غرب را با مشکلات اقتصادی تازه ای روبرو خواهد کرد و این خود تجاوز شوروی را از لحاظ اقتصادی ، سیاسی و نظامی به غرب آسانتر خواهد نمود . در اینصورت چرا شوروی باید با افزایش بهای نفت مخالف باشد مضافا اینکه پشتیبانی از افزایش بهای نفت را دستاویزی برای تزیور و عوامفریبی قرار میدهد .

از زندگی کارگران و دهقانان

برکت بکار میدهند . بهر حال بناکیان در آنروز ثابت شد که بالاخره مملکت آنطور ها هم که تصور میکردند نیست بالاخره قانون دارد و آنطور هم نیست که هر کس براضی بد دیگری زور بگوید ، نمی آید ، کارخانمران نتیجه عمل را در گاهی کما نهایتی محکوم شده بودند و دانستند . بهر حال ایهت داد کا بود ولت و قانون و پشت - کرمی بد آن بر اواقعا در خود حس میکردند محرم و رفقایش تصمیم گرفتند بعد از شروع بکار سراغ یک یک رفقای که همین سر نوشت را دارند بروند و از طریق دادگاه و قانون بکارخانه برگردانند .

فرد ای آنروز محرم و رفقایش هر چه مدارک داشته بر داشته روانه کارخانه شدند و تحویل نماینده " مهربان " کارخانه دادند بلا فاصله مدارت قدیم که عبارت بود از دفتر کار و کاغذ های دیگر پاره شد و یک دفتر جدیدی از منشی کار بد آنها داده شد . بعد از مطالعه دفتر کار جدید معلوم شد که محرم و دیگران به عنوان کارگر جدید استخدام شده اند و حقوقی ۱۴ تومان بجای حقوق ۱۸ تومان در روز دریافت خواهند کرد . در واقع بسا یک قدم سابقه ۲۰ و چند سال کار این کارگران حذف شده و حتی دیگر مدتی هم ندارند که ادعا کنند آنها قبلا در این کارخانه کار کرده اند ، محرم اضافه میکند که این اولین بد بختی او نیست . او چنین ادامه میدهد ، من و خانواد نام از بی خانمانی و کرایه سنگین متکن چندین سال بود که رنج فراوان میبردیم بالاخره تصمیم گرفتیم بهتر ترتیب شده در نزد یک ناحیه " آریاشهر " گذریم یک بکارخانه نیز هست خانهای تهیه کیم چونکه عد های از کارگران همکارا و نیز همین عمل را انجام داده بودند و توانسته بودند زانعه های از زانعه های ناحیه " آریاشهر " خریداری کنند ، بالاخره بهر ترتیبی بود ۳۰۰۰ تومان فراهم میکند و زانعه ای را که امکان فروش داشت میخرد . محرم و خانواد فاش با خوشحالی و عجله تمام هر چه دارند و ندارند بد و شر کشیده روانه خانه جدید خود میشوند . اولین مشکل پیدا میاید چون زن محرم حامله بود نمی تواند براضی از رتنک زانعه وارد و بیخارج شود ، محرم مجبور میشود بشهر رفته در کهنه های خریداری کرده ، بقیه رصفحه ۳

کارگران سیمان
کارخانه سیمان حقیقت در حدود ۴۰ نفر کارگر دارد و این کارخانه که در آخرین خیابان شهر قرار دارد یکی از قدیمی ترین کارخانه های سیمان ایران است در این اواخر ۴ نفر کارگر - اینکه سابقه بیش از ۲۰ سال کار توئی کارخانه را داشته اند یکی پس از دیگری بتوی از کارخانه اخراج شدند ، برای نمونه شرح حال زندگی یکی از این کارگران که تماش محرم است میاوریم . محرم اکنون ۴۵ سال دارد و بگفته خود سن از ۲۳ سالگی در این کارخانه شروع بکار کرده است . او میگوید عد های از ماهاکه کارگران قدیمی بونیم از ۲ تا ۳ سال پیش منوجه شدیم که مدیریت کارخانه حتی استاد کارهایی جهت از کارهایشان عیوب جوئی کرده و در ایام آزاییک نوعی آزار میدهند و در صورتیکه رفتاری آنها با کارگران تازه اینطور نبود تا اینکه با بهانه های خوشاختر در عرض یکسال ۴ نفر ما را از کارگران قدیمی بودیم رسما اخراج کردند ، محرم مدت ۷ یا ۸ ماه بنوگرو برداخت ولی او با تفاق چند نفر از کارگران اخراجی با اداره کار و مقامات مربوطه برای رسیدگی باخراجهشان از کارخانه شکایت کردند ، البته محرم و رفقایان از پارتی بازی و پشتیبانی چند کاسب خیرخواه نیز برخوردار بودند . ولی با تمام این تفصیل محرم و رفقایان دادگاه را باختند ولی با وجود باختن این دادگاه بد آنها توصیه شد که بامدیریت کارخانه دوباره مذاکره کنند و حتی باید ادرمیانی مامورین دادگستری مدیریت کارخانه از رد و ستی وارد شد و نظاهرخیلی ضعیفی بد آنها اظهار کرد اصولا کارخانه بد آنها احتیاج دارد و مدیریت کارخانه و این کارگران با هم همیشه تفاهم داشته اند و آن ماموری که برکه " اخراجیه " آنها را صادر کرده بود فحش و ناسزا گفت و خیلی ضعیفانه از کاریکه درباره آنها شده معذر خطه خواست و بناتفاق فرد انعام مدارگان را بیبازدید نامن ملا کم و از همین حالا میتوانید شروع بکار کنید . محرم و دیگران از شدت خوشحالی دست و صورت نمایند " کارخانه را بوسیدند و شان و خندان از اینکه تازه نتیجه یک دادگاه باخته شد مرا

حملات سراسیمه وار رژیم را با تشدید مبارزه روبرو سازیم!